

اوقات فراغت

حجة الاسلام حسنعلی خادمی

قسمت اول

«الفرصة تمر مر السحاب» (فرصتها همچون ابرمی گذرند).

پیامبر گرامی فرمودند: «ان بربکم فی ایام دهرکم نفعات الافتراضوا لها».

یعنی در ایام زندگانی شما لحظات و آنات و ساعات و فرصتهای روح بخشی وجود دارد که در معرض نسیم حیات بخش الهی قرار می گیرید. بکوشید از آن فرصتها استفاده کنید و خود را در مسیر نسیمهای پر برکت الهی قرار دهید.

باز پیامبر گرامی صلی الله علیه وآله فرمودند: «من فتح له باب خیر فلینتهره فانه لا یدى متى یغلق عنه» کسی که به رویش در خیری گشوده شد غنیمت بشمارد و از فرصت استفاده کند زیرا که نمی داند چه وقت آن در به رویش بسته خواهد شد.

و از امام صادق علیه السلام است در زیر آیه شریفه «لا تنس نصیبک من الدنیا که فرمودند: «لا تنس صحتک و قوتک و فراغک و شبابک و نشاطک و غناک...».

یعنی شش چیز را که خداوند تبارک و تعالی نصیب فرموده مغنم بشمار و برکاتش را فراموش مکن.

۱- سلامتی ۲- نیرومندی ۳- اوقات فراغت ۴- دوران جوانی ۵- نشاط و شادابی ۶- بی نیازی.

باز هم علی علیه السلام می فرمایند: «الفرصة سریعة القوت و بطیئة العود».

فرصت خیلی سریع می گذرد و بسیار دیر برمی گردد (و یا اصلاً بر نمی گردد).

در همین فرصت طلبی یعنی از دست ندادن فرصت مناسب، به ویژه در دوره جوانی و نوجوانی روایات و احادیث مؤکدی از اهل بیت و معصومین علیهم السلام رسیده است.

مثلاً در روایتی از امام صادق علیه السلام است که: «اذا کان یوم القیامة لانزول العید قدماً عن قدم حتی یسئل عن اربعة اشياء عن عمره فیما افناه و عن شبابه

● اغتنام فرصت و انتهاز الفرص

استفاده از فرصتهای پراچ عمر از دیدگاه قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام:

۱- پیامبر گرامی صلی الله علیه وآله می فرماید: «الدنیا ساعة» یعنی دنیا جز ساعتی بیش نیست و آن ساعتی است که در آن زندگی می کنیم، چرا ساعتی که گذشته، دیگر قابل بازگشت نیست و ساعتی که نیامده است هنوز بالفعل وجود ندارد. پس ساعتی که در آن واقع هستیم و زندگی می کنیم ساعتی است که قابل استفاده و در اختیار ماست و باید با اغتنام فرصت، از این سرمایه استفاده کنیم.

منسوب به حضرت علی علیه السلام است که: «ما فات ماضی و ما سائیک فاین قم فاعتم الفرصة بین العدمین» یعنی روزی که گذشت از دست رفته است. روزی که نیامده است در اختیار شما نیست، پس

برخیزو همین فرصتی که در اختیار داری مغنم بشمار. منسوب به ختام است در توضیح سخن مولا علی علیه السلام که گفته است: از دی که گذشت، هیچ از او یاد مکن فردا که نیامده است فریاد مکن برنامه و گذشته بنیاد مکن حالی خوش باش و عمر، بر باد مکن

مولانا جلال الدین رومی نیز در توضیح سخن پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم گفته است که:

پس تو راه را لحظه مرگ و رجعتی است مصطفی فرمود: دنیا ساعتی است هر زمان نومی شود دنیا و ما بی خبر از نوشدن اندر بقا عمر همچون جوی، نونومی رسد مستمیری می نماید در جسد

از علی علیه السلام است که فرمودند:

یعنی روز قیامت که می شود هیچ بنده ای را نمی گذارند قدم از قدم بردارد مگر آن که به چهار چیز پاسخ بدهد:

۱- باید پاسخ گوید که اولاً عمر عزیزش را (این سرمایه بر ارزش الهی را) چگونه فانی کرده و از دست داده است.

۲- مجدداً از جوانی سؤال می کنند که در چه راهی نابودش کرده و سیری نموده است.

از حدیث شریف یاد شده استفاده می شود که دوران جوانی خود بخش جداگانه و فرصتی به اصطلاح استثنایی و طلایی در طول عمر انسانی است. لذا در صرف این سرمایه و صرفه جویی در آن باید جداگانه و در مرحله خاصی پرورش و پاسخ انجام شود.

این پرورش و پاسخ از سرمایه عظیم عمر، ما را به این اندیشه و می دارد که سرمایه جوانی علاوه بر سرمایه عمر معمولی، سرمایه و فرصتی براجز تر و پر قیمت تر است و باید از تمام ساعات و لحظاتی سود جست و به غفلت سپری نمود.

بی جهت نیست که پیامبر صلی الله علیه وآله فرمودند که: «ان لله ملكاً في كل ليلة فينادي يا ابناء العشرين جدوا واجتهدوا» یعنی فرشته الهی هر شب به جوانان بیست ساله ندا می دهد که کوشش و جدیت کنید و برای نیل به کمال و سعادت خود کوشا باشید. جالب توجه است که در احادیث اهل بیت علیهم السلام در مورد اغتنام فرصت، به ویژه دوران نوجوانی مورد عنایت قرار می گیرد. در زیر آیه شریفه (اولم نمرکم ما يتذکر فیہ من تذکر) یعنی آیا به شما سرمایه ای جداگانه از عمر نداده ایم که قدر آن را بهتر بدانید و از آن استفاده شایان ببرید. امام صادق علیه السلام فرمودند که: این آیه ملامت و سرزنش نسبت به جوانان غافل است که به سن هیجده سال رسیده باشند و

از فرصت نوجوانی خود استفاده نکنند. و همچنین علی علیه السلام در ضمن خطبه ای می فرمودند: «فهل ينتظر اهل بضاضه الشباب الاجوانی الهم؟!» و آیا کسی که در جوانی اهل تن پروری بوده است می تواند در پیری جز شکستگی و ذلت انتظاری داشته باشد؟

و باز هم از علی علیه السلام نقل شده است که: «ما اقرب الدنيا من الذهاب، والنشيب من الشباب» چه نزدیک است دنیا را گذران و رفتن و چه نزدیک است جوانی را پیری و درهم شکستن.

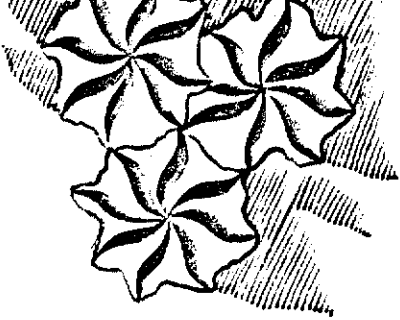
و امام صادق علیه السلام فرمودند: «ان الله يبعث العبد النوام الفارغ» خداوند بنده پر خواب و غافل را دشمن می دارد.

در سخنان اهل ادب است که: کار امروز را به فردا مگذار، که فردا خود کاری جداگانه دارد. و با جمع شدن کار دو روز در یک روز، قدرت انجام هر دو را نخواهی داشت. نهایتاً هر دو را به زمین خواهی نهاد.

نظیر همین سخن را از علی علیه السلام داریم «لا تحمل هم يومك الذي لم ياتك علی يومك الذي فداك».

غصه فردای نیامده را بر امروز موجودت تحمیل مکن و بار روز حاضر را بی جهت سنگین منما که: در نتیجه از ایفای هر دو وظیفه شانه خالی خواهی کرد. در پایان احادیث حکمت آمیز معصومین علیهم السلام، به عنوان حسن ختام این بحث، حدیثی جامع از امام صادق علیه السلام اضافه می کنیم که فرمودند: «اصبر و علی الدنيا فانما هی ساعة فما مضی منه فلا تجد له الماء ولا سروراً و ما لم یجی فلا تدری ما هو و انما هی ساعتک التي انت فیها فاصبر فیها علی طاعة الله...».

مجموعه عمر آدمی در دنیا ساعتی بیش نیست. آنچه از این ساعت گذشته است، معدوم شده است. پس المی و لذتی از آن احساس نمی شود و آنچه را که از عمر هنوز



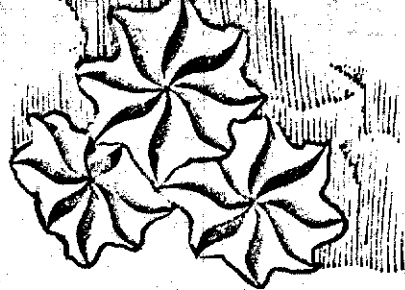
نیامده است. نمی دانید چه خواهد شد. پس سرمایه موجود و بر ارزش عمر تنها همین لحظات است که در اختیار شماست و در آن به سر می برید. پس در حال حاضر در اطاعت و فرمانبرداری خداوند عزیز کوشا باش. پیامبر صلی الله علیه وآله سخن جالبی دارد که به علی علیه السلام در این زمینه فرموده اند: «کن علی عمرک انتح علی درهمک و دینارک».

اگر خدای ناکرده بخل ورزیدی به عمرت بخل بورز نه به مال دنیا چون درهم و دینار.

از هر چه بگذریم از سخن خدای عزیز نمی توان گذشت که از همه سخنان خوشتر است: «ان الخاسرین السدین خسرو انفسهم».

یعنی بازندگان کسانی نیستند که: خانه، مال، احشام، اغنام، طلا و جواهراتشان را باخته باشند، بل کسانی هستند که خود را باخته باشند - سرمایه عمر را.

قابل ذکر است که از سید قطب در تفسیر سوره شریفه «العصران الانسان لفی خسیر» نقل شده که مدتها در این قسم خدای عزیز که یاد کرده «همه انسانها در خسران و از زیان کارانند» فکرمی کردم که چرا و چگونه؟ تا این که روزی از روزهای گرم تابستان در هوای بسیار گرم در مصر، یخ فروشی را مشاهده کردم، که صدا می زند و ملتسانه می گوید: «ارحموا الثلجی». مردم به من یخ فروش رحم کنید و از این یخها که سرمایه من است و آب می شود، به زمین می ریزد، بخرید. آنگاه



سخن خداوند تبارک و تعالی را کاملاً درک کردم که آری: لحظات عمر هم همچون قطرات یخ فروش است که در هر لحظه آب شده به زمین می ریزد و از بین می رود. مگر آن که با خدای عزیز معامله کنیم و به او بفروشیم، که «ان الله اشترى من المؤمنین انفسهم واموالهم» خداوند عزیز مشتری خوبی است برای جانها و عمر عزیزان شماست. می گویند بُعد چهارم حیات اجتماعی زمان است، لکن با کمال تأسف نیست به آن توجه کاملی نمی شود. در فرهنگ و اصطلاح خود ما معروف است که وقت طلاست. با این که این کمترین ارزش و بهایی است که به وقت و عمر داده شده است، زیرا که صد البته با صرف وقت، طلا را می توان بدست آورد، لکن با صرف طلا و حتی الماس و پریلیان هم (که می گویند گرانترین اشیا است) نمی توان عمر از دست رفته را دوباره باز گرداند. با این حال به فرموده خدای سبحان، یکی از سرمایه های زبان دیده، سرمایه عمر است و همه انسانها در خسران به سر می برند.

با توجه به این که هر استعداد بالقوه ای در دوران خاصی از زندگی شکوفا می شود و بعضی از پذیرشها و یادگیریها، منحصراً در کودکی و یا نوجوانی امکان پذیر است «العلم فی الصغر کالتقش فی الحجر» علم و دانش در ایام کودکی، همچون نقش بر سنگواره ها ثابت می ماند «والعلم فی الکبر کالتقش فی المد» و علم و دانش در دوران بیری مانند نقش بر توده های خاک و گل و لای است.

مسلم است که از دست رفتن فرصت و

تلف شدن وقت چه زیانهای جبران ناپذیر فردی و اجتماعی دربر خواهد داشت و اصولاً اسراف و تسذیر به ویژه در وقت و عمر مذموم ترین و نکوهیده ترین آن است. در یک محاسبه مشابه قضیه تعطیلات مورد بحث به بحران جبران ناپذیر تعطیلات، بیشتر بی می بریم. به گزارش تلاش مرکز بهداشتی و درمانی یکی از کشورهای اروپایی در کاهش دوره نقاهت بیماری «آنفلوآنزا» اشاره می شود که از یک میلیون کارگر مبتلا در یک اپیدمی هر گاه به جای آن که حدود یک هفته نیاز به درمان و استراحت و مرخصی داشته باشند، فقط با دروز در زمان و استراحت به کار خود بپردازند. از نظر اقتصادی در حقیقت معادل ۵ میلیون روز (بالغ بر ۶۰ هزار سال) بر نیروی انسانی و سرمایه کار کشور افزوده شده است.

کوتاه سخن آن که: ساعات فراغت و تعطیلات تابستانی، همچون رودخانه ای است که آب آن هرز می رود و هر گاه به وسیله سد مستحکم جلوی آن گرفته شود، می توان در مسیر صحیح از آن بهره کافی گرفت والا بر اثر عدم کنترل طغیان می کند و به صورت سیلی بنیان کن و خانمان برانداز ظاهر می شود و هر چه را که پیش رود دارد به دره های تباهی و سیاهی می کشاند. نسل جوان که سرمایه عظیم فردا و وارثان انقلاب ایمان و شهادتند باید در ایام فراغت از برنامه های سالم اردویی که بارور کننده روح معنویت و ایمان و نشاط آنان باشد بهره گیری کنند و همه نهادهای فرهنگی جامعه برای تحقق این برنامه های پر ارج و پر بار ساختن محتوای آنها تلاش و همه همدلی همواره مبذول دارند.

ادامه دارد

*** لحظات عمر هم همچون قطرات یخ فروش است که در هر لحظه آب شده به زمین می ریزد و از بین می رود. مگر آن که با خدای عزیز معامله کنیم و به او بفروشیم.**

*** ساعات فراغت و تعطیلات تابستانی، همچون رودخانه ای است که آب آن هرز می رود و هر گاه به وسیله سد مستحکم جلوی آن گرفته شود، می توان در مسیر صحیح، از آن بهره کافی گرفت والا بر اثر عدم کنترل طغیان می کند و به صورت سیلی بنیان کن و خانمان برانداز ظاهر می شود و هر چه را که پیش رود دارد به دره های تباهی و سیاهی می کشاند.**

*** پرش و پاسخ از سرمایه عظیم عمر، ما را به این اندیشه و می دارد که سرمایه جوانی علاوه بر سرمایه عمر معمولی، سرمایه و فرصتی پراج تر و پر قیمت تر است و باید از تمام ساعات و لحظاته سود جست و به غفلت سپری نمود.**